

بازشناسی فرایند تحریم ربا در قرآن

□ سید رضی موسوی *

□ کاظم صالحی **

چکیده

این مقاله به بررسی چه گونه‌ی فرایند تحریم ربا و بیان احکام مستفاد از آیات پرداخته است. ربا یا همان بهره و اضافی که توسط پول رایج یا جنس از طرف مقابل گرفته می‌شود. این اضافی حرام است در قرآن چندین آیه بر حرمت آن وارد شده است. سیر تحریم ربا در قرآن، به صورت تدریجی روند رو به رشد دارد. آیات اولاً به آماده‌سازی اذهان مردم پرداخته است. در مرحله دوم بیان قبحیت ربا، بعد تحریم ربا، بعد تشدید و تأکید حکم قبلی پرداخته است. نزول آیات ربا نه تنها بیانگر حرمت و یا عُقَبَت تخلف از حکم آن را در چهار مرحله بیان نموده است. بلکه روش کار فرهنگی و سیاسی، در بین اجتماع را برای مسلمانان به‌ارمغان آورده است. روش تحقیق در این مقاله تحلیلی- توصیفی به شکل کتاب‌خانه‌ای بوده؛ جمع‌آوری مطالب سپس تحلیل و پردازش مطالب. پرداخته است. از دست آورد این پژوهش توجه دادن در کیفیت و ظرافت دقت قرآن در حکم و شیوه‌ای برخوردار با افکار جامعه است.

واژگان کلیدی: سیر، فرایند، ربا، حرمت، بازشناسی.

* اتمام سطح چهار حوزه علمیه.

** دانش‌آموخته جامعه المصطفی عَلَيْهِ السَّلَام الْعَالَمِيَّة

مقدمه

بدون شک بحث از ربا و تبیین احکام آن در جامعه ایمانی ضرورتی انکار ناپذیر است؛ حرمت ربا بر هیچ مسلمانی پوشیده نیست؛ حرف در این است که آیا مطلق ربح و بهره گیری حرام است، یا تحت شرایط خاص با ضمیمه قید و عنوان؛ یک صنف خاص از ربا حرام است. واژه ربا در زبان فارسی به معنای فزونی چیز، افزون شدن، نشو و نما کردن است، در اینجا منظور سود یا ربحتی است که طلب کار از بده کار می گیرد. دقت در آیات نشان می دهد؛ باقید زیادی یکی از دو کالای هم جنس بر دیگری در معامله، یا قرض دادن مال به شرط زیادی باشد حرام است؛ و الا هر ربح حرام نخواهد بود. البته زیادی که شرط می شود تفاوت ندارد کم باشد یا زیاد نفس زیاد گرفتن ممنوع است مقدار آن شرط نیست. این حرمت به وضوح در آیات تحریم ربا در یک فرایند خاص بیان شده است. با در نظر داشتن شرایط جامعه آن روز حکم را طوری بیان نموده که نکسی تخلف نماید و نه از زیر بار شانه خالی نموده رو به فرار نماید. از طرف هم زره از حکم الهی چشم پوشی نشود.

مفاهیم

۱. معنا و مصداق رباء

الف ربا در لغت:

ربا: در لغت به معنای زیادی و نمو آمده است. ربو کعلو زاد و نما. (محمد بن یعقوب فیروزآبادی معجم القاموس المحيط ص ۴۸۸) ربا ربو: ربا الجرح و الارض و المال و کل شیء یربوا اذا زاد و ربا المال یربوی الربا. ای یزداد؛ ربا به معنای زیاد شدن در هر چیزی که باشد رباء جرح؛ زیاد شدن جرح؛ و ربا زمین؛ زیاد شدن و برآمدگی زمین، ربا مال؛ به زیاد شدن مال گفته می شود. (خلیل بن احمد فراهیدی کتاب العین، ص ۹۴). راغب اصفهانی ربا را اینگونه تعریف کرده است: «الربا زیاده علی رأس المال لکن خص فی الشرع بالزیاده علی وجه دون وجه» (راغب اصفهانی، ص ۱۸۷) مرحوم طبری نیز ربا را اینگونه تعریف کرده است: «ارباء زیادی بر

چیزی است و ربا یعنی زیاده، ربا الشیء: در جایی به کار می‌رود که چیزی بر آنچه بوده اضافه شود و آن چیز بزرگتر شود. بلندی‌های زمین را رایبه میگویند به خاطر بزرگی و بر زمین صاف» (طبری، ج ۳، ص ۱۳۹)

ب در اصطلاح فقهی:

ربا عبارت است از زیادی یکی از دو کالای؛ هم جنس (که هر دو پیمان‌های یا هر دو وزنی باشد) بر دیگر در معامله؛ یا قرض دادن مالی به شرط زیادی. (محقق کرکی، ج ۴، ص ۲۶۵). برخی ربا را اینگونه تعریف کرده‌اند: بیع یا معاوضه؛ یکی از دو عوض هم جنس پیمان‌های یا وزنی در برابر دیگری با زیادی یکی از آن دو یا قرض دادن به شرط زیادی. (شهید ثانی ج ۳، ص ۳۱۶). به نقل از اقوال و دیدگاه علمای عامه: قریب به همین مضمون گفته شده است. علمای احناف و حنابله: ربا عبارت است از زیادی یکی از دو کالای هم جنس نسبت به دیگری که هر دو پیمان‌های یا وزنی باشند. علما شافعی زیادی را در خوراکیها و اشیاء قیمی معتبر می‌دانند. در چنین مواردی اگر یکی از دو کالای خوراکی یا قیمی که هم جنس اند به شرط که زیادی بستاند. ربا تحقق پیدا می‌کند. ولی مالکی‌ها قائل بر این‌اند در صورتی که اشیاء قابل ذخیره باشد، یا اشیاء قیمی هنگام معامله یکی از دو جنس را زیادی اخذ نماید، ربا به وجود می‌آید. (حیلی ج ۲، ص ۹۶). مالکی: در اشیا که قابل ذخیره سازی و یا قیمتی باشد ربا را قابل اعتبار دانسته‌اند. صاحب جواهر در تعریف ربا گفته است: «لیس المراد من الربا مطلق الزیاده، کما هو معناه لغه، بل المراد به کما فی المسالک و غیرها بیع احد المتماثلین او اقتراض احدهما مع الزیاده». سپس صاحب جواهر از فقه راوندی چنین نقل می‌کند: «الربا هو الزیاده علی رأس المال من جنسه او مماثله: ربا زیاده بر سرمایه است چه از همان جنس باشد یا از مثل آن» (نجفی، ج ۲۳، ص ۳۳۴) بعضی از فقهای حنفی ربا را اینگونه تعریف کرده‌اند: «الربا: هو الْفَضْلُ الْخَالِي عَنْ الْعَوْضِ الْمَشْرُوطِ فِي الْبَيْعِ» (سرخسی، ج ۱۴، ص ۴۶۱)

۲. حرمت ربا

الف معنایی حرمت در لغت:

حرمت به معنای نافرمانی، حرام شدن، حرام گردیدن، ناشایستگی مقابل حلیت و نیز به معنای شکوه، حشمت، آبرو، منزلت، قدر، مرتبت، عز، شرف و عظمت آمده است. حرمت از احترام مشتق شده است. (علی اکبردهخدا، ۱۳۴۲ ش)

ب معنایی حرمت در اصطلاح:

علماء حرمت را از اقسام احکام الزامی دانسته‌اند، آنان معتقدند که مولا به خاطر مفسده که در چیزی وجود دارد و این مفسده به اندازه‌ای است که شارع ترک آن را الزام کرده، پرهیز از آن را دستور اکید داده و هیچ رخصتی برای انجام آن نمی‌دهد، (تهانوی، ج ۱، ص ۶۶). به بیان دیگر حرمت به معنای ترک فعلی که انجام دادنش موجب عقاب شود... برخی حرمت را چنین تعریف کرده‌اند: حرام، چیزی است که فعل آن شرعاً سبب ذم و نکوهش باشد.

۳. ادله حرمت ربا

آیات تحریم ربا در چهار سوره از کلام الله مجید آمده:

که طبق ترتب مصحف از این قرار است... بقره آیات ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۸

. سوره آل عمران آیه ۱۳۰

. سوره نساء آیه ۱۶۱

. سوره روم در آیه ۳۹ آمده است.

ولی با کمی تأمل و جستجو در منابع و مآخذی مانند کتب اسباب النزول، کتب تفاسیر شیعیه و اهل عامه و نیز تأمل در سیاق آیات به نظر می‌رسد ترتیب نزول آیات اینگونه باشد.

اول. سوره الروم، آیه ۳۹: «و ما آتیتُم من رِباً لیربوا فی أموالِ النَّاسِ فلا یربوا عندَ اللّٰه و ما آتیتُم من زکاة تُریدونَ وجهَ اللّٰه فأولئک هم المضعفون».

دوم. سوره النساء، آیه ۱۶۱: «فِظَلَمَ مِنَ الَّذِینَ هَادُوا حَرَمْنَا عَلَیْهِمْ طَیِّبَاتِ أُحْلَتْ لَهُمْ و

بِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا وَأَخْذَهُمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا».

سوم. سوره آل عمران، آیه ۱۳۰: «يا أيها الذين آمنوا لا تأكلوا الربوا أضعافاً مضاعفةً و اتقوا الله لعلكم تفلحون».

چهارم. سوره بقره، آیه ۲۷۵: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومَ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ». با توجه به اینکه کل سوره روم مکی است، پس آیه ۱۳۹ از سوره روم را باید مکی به حساب آورد (قرطبی، ج ۱۴، ص ۱) اما آیات دیگر ربا به اتفاق نظر مفسران مدنی است. در میان آیات مدنی بسیاری از مفسران و دانشمندان علوم قرآنی معتقدند آیه ۲۷۵ از سوره بقره آخرین آیه و یا از جمله آخرین آیاتی است که بر پیامبر ﷺ نازل شده است (طبرسی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۶۰) و صاحب تفسیر قرطبی نیز معتقد است آیه ۲۸۱ از سوره بقره آخرین آیه و آیه ۲۷۵ به بعد جزء آخرین آیات است (قرطبی، ج ۱، ص ۱۵۲) بعضی نیز گفته‌اند بخاری اینگونه روایت کرده که آخرین آیه نازل شده آیه ربا است (زرکشی، ج ۱، ص ۲۱) ابن عباس نیز از پیامبر ﷺ نقل کرده است که آخرین آیه نازل شده بر پیامبر ﷺ آیه ربا است (ابن کثیر، ج ۱، ص ۳۷ و ۳۳۶؛ ثعالبی، ج ۱، ص ۵۴۴) اگر این ادعا درست باشد، آن قول را که می‌گوید آیه ۲۸۱ از سوره بقره «و اتقوا يوماً تترجعون فيه إلى الله ثم توفى كل نفس ما كسبت وهم لا يظلمون» آخرین آیه است، باید این گونه توجیه کرد که این آیه به همراه آیات ربا نازل شده است. با این بیان تکلیف آیه ۳۹ از سوره روم و نیز آیات ۲۷۵ تا ۲۸۱ از سوره بقره که درباره ربا است روشن شد. بعضی از مفسران گفته‌اند آیه ۲۷۵ از سوره بقره به همراه آیات بعد از آن یعنی آیه ۲۷۸ سوره بقره «يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقى من الربا إن كنتم مؤمنين» ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الهی را پیشه کنید ربا خواری را رها کنید اگر ایمان به خدا و دارید. این دلالت بر حرمت ربا دارد. (راوندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۴۵) و آیه ۱۳۰ از سوره آل عمران «يا أيها الذين آمنوا لا تأكلوا الربوا أضعافاً مضاعفةً و اتقوا الله لعلكم تفلحون» ای

کسانی که ایمان آورده‌اید ربا خواری نکنید در حال که دو چندان اموال شما می‌شود از خدا بی‌پرهیزید تا شاید رستگار شوید. در مقام تکرار تحریم ربا به منظور تأکید بر آن است (الطوسی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۵۸) اما مرحوم علامه طباطبایی معتقد است آیه ۱۳۰ از سوره آل عمران مشتمل بر بیان تحریم ربا و آیه ۲۷۵ سوره بقره به بعد برای تأکید حرمت ربا و سخت‌گیری بر رباخواران است؛ نه در مقام تشریح ابتدایی حرمت ربا (الطباطبائی، ج ۲، ص ۴۰۸) در فراز پیشین نقل شد که بسیاری از مفسران معتقدند آیه ۲۷۵ از سوره بقره جزء آخرین آیات است؛ از اینرو باید گفت آیه «لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً» در مقام بیان تحریم ربا و آیه ۲۷۵ بقره در مقام تأکید بر آن است و این امر بیانگر عنایت و ویژه‌ای از جانب شارع مقدس درباره ربا و حرمت آن است و چون احتمال می‌رفته مسلمانان و مؤمنان این امر را به دست فراموشی بسپارند، به عنوان اتمام حجت، آخرین آیات و آخرین تأکیدات از سوی خداوند به مخاطبان اعلام می‌شود. تا جای هیچ‌گونه چون، چرا، جدل و مرائی درباره حرمت ربا باقی نماند؛ اما درباره ترتیب نزول آیه ۱۶۱ نساء «وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» آن‌های که ربا می‌گیرند با وجود که از گرفتن ربا نهی شده‌اند مال یک دیگر را به باطل می‌خورند، از برای آن‌های که حق را می‌پوشاند (بعد از بیان حرمت ربا دو باره در با می‌گیرد) عذاب دردناک آماده کردیم. باید گفت که از ظاهر آیه بر می‌آید آیه در مقام اخبار از تحریم ربا در میان امت یهود است، ایضاً در مقام گناه کار شناختن ربا خواری در میان آنها در قالب بیان اخبار گذشتگان است. یکی از شیوه‌های تبلیغی در قرآن به منظور زمینه‌سازی برای تشریح حکمی این است که خداوند تعالی به بیان تشریح آن حکم در امتهای پیشین می‌پردازد تا در کنار تبیین حکم موضوع مورد بحث در امتهای پیشین، حکم مورد نظر در شریعت اسلام نیز بیان و بر آن تأکید شود. مثل آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۱۸۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید واجب شده بر شما روزه هم‌چنان که واجب شده بر کسانی که قبل از شما بودن این مثال برای شما زده شد، باشد تا تقوای الهی را پیشه کنید. این یک نمونه‌ای از شیوه قرآنی و مثالی در احکام صوم است. با این بیان آیه و أَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ

نُهوَا عَنْهُ در مقام زمینه سازی جهت برانگیختن نفرت و انزجار مسلمانان در برابر ربا و رباخواری به عنوان گناهی بزرگ است که ارتکاب آن در میان امتهای پیشین نوعی کفر محسوب می شده است.

۴. فرایند تحریم ربا

از بحث ترتیب نزول و نیز دقت در سیاق آیات ربا می توان گفت ترتیب نزول و مراحل مختلف اعلام حکم تحریم ربا را در مراحل چهارگانه خلاصه می شود. پس فرایند تحریم ربا در چهار مرحله طی شده.

۴/۱. ایجاد تزلزل و تردید در اندیشه رباخواران

نزول آیه «و ما آتیتُم مِنْ رَبًّا لِيُرَبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرُبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُم مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ» (روم: ۳۹) آن چه را به عنوان ربا می گیرد به خیال خود شما اموالا شما زیاد می شود در نزد خداوند چنین نیست. (اموال شما زیاد نمی شود) و آن چه را به عنوان زکات در راه خدا می دهید آن زکات است که اموال شما را در نزد خداوند زیاد می کند. رباخواری پدیده های رایج و عادی و امری عام و شایع در دوران جاهلیت و حتی عهد ظهور اسلام بوده است؛ از اینرو در انظار عمومی قُبْحی نداشت. با توجه به اینکه بنیانگذاری یک اندیشه ای نو، یا اینکه کم رنگ کردن یک اندیشه و سنتی رایج مذموم، مستلزم ایجاد جریان‌های فرهنگی و سیری تدریجی است و نیازمند مبارزه ای پیگیر و بی امان است، خداوند تعالی برای ریشه کن کردن این پدیده زشت، در گام اول این فکر را که ربا موجب باروری و افزونی مال و بازگشت دو چندان آن می شود رد کرده و به آنان گوشزد نمود هر چند ربا به نظر شما سبب افزایش مال و دارایی است؛ اما بدانید ربا موجب افزایش حقیقی مال و بالا رفتن آن در پیشگاه خدا نیست. بلکه این زکات است که چنین خصوصیتی دارد و حقیقتاً مایه برکت است. از اینرو خداوند متعال آیه ۳۹ سوره روم را به منظور ایجاد تزلزل و تردید در اندیشه رباخواران و یا آنان که رباخواری را پدیده های عادی می شمردند نازل کرد تا بر رباخواران آشکار شود که نه تنها رباخواری عمل شایسته ای نزد خدا نیست، بلکه عملی شنیع

و زشت است. البته مخفی نماند که این زمینه سازی در مکه انجام شد.

۴/۲. آماده سازی و اجاد زمینه برای دریافت حکم جدید

نزول آیه «وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً» (نساء: ۱۶۰ و ۱۶۱) دومین گام برای زمینه سازی اعلام حکم تحریم ربا، نزول آیات ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره نساء بود که در آن خداوند متعال فرمود: چون قوم یهود ظلم کردند و نیز چون آنان مردم را از راه خدا باز می داشتند و ربا می گرفتند در حالی که مأمور به اجتناب از ربا بودند و به خاطر اینکه اموال مردم را به باطل می خوردند بخشی از نعمت ها را بر آنان حرام کردیم و برای کافران از قوم یهود عذاب دردناکی آماده کرده ایم. این آیه دومین مرحله از مراحل اعلام حکم تحریم رباست، می توان چنین برداشت کرد که خداوند متعال به مخاطبان و همه مسلمانان اعلام می کند به جهت مخالفت ربا؛ بادین و فطرت، در شریعت حضرت موسی عليه السلام مبعوض و منهی عنه بوده، پس در نزد شما نیز چنین باشد. باید توجه داشت که ربا در روایات، حرام و گناهی کبیره شمرده شده است که خداوند وعده آتش به آن داده و به زبان همه پیامبران و در همه کتابهای آسمانی حرام شمرده شده است: «اعلم یرحمک الله ان الربا حرام سحت من الکبائر، ومما قد وعد الله علیه النار فنعوذ بالله منها، وهو محرم علی لسان کل نبی و فی کل کتاب (مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۱۲۱) خدا ترا رحمت کند این را بدان (به خاطر بسیار) ربا حرام است خوردن ربا از گناهان کبیره است؛ و از آن گناهان است که خدا وعده آتش داده پس به خدا پناه ببرید.

۴/۳. ابلاغ حکم جدید

نزول آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافاً مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۳۰) نزول این آیه سومین گام برای ابلاغ حکم تحریم ربا بود؛ این آیه به طور صریح و در قالب فعل نهی که ظهور در حرمت دارد همه ایمان آورندگان را امر به ترک گناه رباخواری می کند. موید گفتار نفس همین آیه است؛ چون ابلاغ بر حرمت بیع ربوی دارد زمینه سازیهای قبلی و نیز بیان حرمت در امت گذشته (قوم یهود) ذکر نموده حرمت در

ادیان گذشته است. البته بحثی درباره ربای اضعافاً مضاعفاه قابل توضیح است که بعداً ارائه خواهد شد.

۴/۴. تأکید بر حرمت ربا

نزول آیه «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۲۷۵) انهای که ربا می‌خورند بر راه راست به پا نخواستند مثل کسان هستند که شیطان گلشان زده‌اند می‌گویند بیع مثل ربا است نه چنین نیست خداوند بیع را حلال و ربا را حرام گردانیده است. هرکسی که این کلام خداوند به گوشش برسد دست از ربا خواری بردارد هر آنچه که قبل از این در زمان جهالت ربا خورده بر او باکی نیست (حکم او با خداوند است). کسی که دوباره (بعد از شنیدن حکم تحریم) ربا به خورد از اصحاب جهنم است و در آنجا همیشه خواهد ماندگار شد. چهارمین مرحله، مرحله تأکید بر تحریم ربا و اصرار و پافشاری قرآن بر حرمت آن است. ذره‌ای ابهام و شبهه در عدم حلیت آن باقی نماند. این مرحله، با نزول آیات ۲۷۵ تا ۲۸۱ سوره بقره تکمیل شد. البته دقت در آیاتی چون آیه «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۸۸) و نیز آیه یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفَقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (بقره: ۲۶۷) بیانگر این است که ربا از مصادق اکل مال به باطل و در زمره اموال خبیثه است؛ بنابراین مورد نهی قرار گرفته هر چند آیات تحریم ربا، بعداً نازل شده است (قمی، ج ۱، ص ۱۳۶) در کتاب شریف وسائل الشیعه نیز آمده است که آیه «وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ» (بقره: ۲۶۷) درباره گروه‌های نازل شده که از اموال ربای جاهلی در اختیار داشته و با آن صدقه می‌دادند که خدا آنان را منع کرد و دستور داد از مال پاکیزه صدقه دهند (الحر العاملی، ج ۱۷، ص ۲۱۲) در تفسیر عیاشی ایضاً ربا را از مصادیق خبیثه دانسته در تفسیر آیه مذکور بیان شده است. (عیاشی، ج ۱، ص ۱۴۹)

«و ما آتیتُم من رِباً لیربوا فی أموالِ الناسِ فلا یزبوا عندَ اللّٰه و ما آتیتُم من زکاةٍ تُریدونَ وجهَ اللّٰه فأولئک هم المضعفونَ» (روم: ۳۹) مفسرین شأن نزول این آیه را مربوط به جهات خاصی نمی‌دانند و بیشتر آنان روایتی را نقل کرده‌اند که در آن نوعی ربا مشروع و خوردنی خوانده شده که همان هدیه‌ای است که انسان به کسی بدهد و انتظار دریافت هدیه‌ای بیشتر از او داشته باشد.

ابن عباس نقل کرده است که ربا دوگونه است، ربایی که صحیح نیست یعنی ربای بیع و دیگری ربایی است که اشکال ندارد و آن هدیه است که کسی به کسی بدهد و بیشتر از آنرا توقع داشته باشد (ابن کثیر، ج ۳، ص ۴۴۴؛ الجصاص، ج ۳، ص ۴۵۶) امام صادق علیه السلام ربا را در این آیه به هدیه معنا کرده‌اند: الربا ربءان: «ربا یوکل و ربا لایوکل فاما الذی یوکل فهدیتک الی الرجل تطلب منه الثواب افضل منها فذلک الربا الذی یوکل و هو قول اللّٰه عزوجل و ما آتیتُم من ربا لیربوا فی اموال الناس فلا یربوا عند اللّٰه» و اما الذی لا یوکل فهو الذی نهی اللّٰه عزوجل عنه و اوعد علیه النار (قمی، ج ۲، ص ۱۵۹، الجصاص، ج ۳، ص ۴۵۶)

ابن عباس سخن دیگری شبیه سخن قبلی دارد: منظور از ربا در این آیه هبه است که انسان به کسی بدهد و در دلش باشد که بیشتر از آنچه داده به او برگرداند، این ربایی است که نزد خدا افزایش نمی‌یابد و بالا نمی‌رود (برکت ندارد) صاحبش نه اجری دارد و نه گناهی کرده است (طبری، ج ۲۱، ص ۵۷) شاید به ذهن خواننده این اشکال برسد؛ که این مطلب پیش از این گذشت این آیه به منزله ایجاد شوک و تزلزل در مخاطب نسبت به تحریم رباست در حالی که دو روایت ذکر شده دلالت دارند بر اینکه مراد از ربا در آیه ۳۹ سوره روم هدیه است. جواب به این اشکال را چنین می‌توان بیان کرد که هدیه‌ای با ارزش است و در زمره اخلاق پسندیده محسوب می‌شود که هدیه دهنده به بازگشت بهتر و یا عدم بازگشت و جبران هدیه، از سوی کسی که به او هدیه داده شده نظر نداشته باشد؛ به عبارت دیگر هدیه‌ای ارزشمند است که با طیب نفس و بدون توجه به جبران از طرف مقابل باشد. مفاد آیه این است که اگر در هدیه شرط شود که طرف مقابل جزای بهتری دهد محل اشکال است؛ اما چون قراردادی در میان نیست اشکالی هم ندارد. بنابراین، آیه صلاحیت آنرا دارد که زمینهای برای تحریم

ربا به حساب آید. با این تنظیر که اگر چیزی به کسی دهی و شرط کنی بهتر از آن به تو دهد اشکال دارد و اگر شرط نکردی ولی انتظار جواب بهتر داشتی یا به حکم اینکه جواب باید بهتر از اصل باشد؛ اشکالی در میان نیست. البته روایتی از امام صادق علیه السلام نیز در دست است که زمینه سازی این آیه برای تحریم ربا را تاکید می کند؛ روایتی که بالصراحه در آن از قرض نام برده است؛ یعنی آن قرضی که شرط بازگشت زیادی در آن نشود:

حدثني ابي عن القاسم بن محمد بن محمد عن سليمان بن داوود المنقري عن حفص بن غياث قال قال ابو عبد الله عليه السلام: «الربا ربا ان احدهما حلال والآخر حرام فاما الحلال فهو ان يقرض الرجل اخاه قرضاً طمعا ان يزيده ويعوضه به اكثر يأخذه بلا شرط بينهما فان اعطاه مما اخذه على غير شرط بينهما فهو مباح له وليس له عند الله ثواب فيما اقرضه وهو قوله فلا يربوا عند الله واما الربا الحرام فالرجل يقرض قرضاً ويشترط ان يرد اكثر مما اخذه فهذا هو الحرام» (قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۱۵۹)

فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّت لَّهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا وَأَخَذَهُمُ الرَّبُّوا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (نساء: ۱۶۲-۱۶۱)

عده‌ای از مفسرین این آیه را بیان گر گوشه‌هایی از تاریخ قوم یهود در قرآن می‌دانند که در جریان آن خداوند متعال از گناهان آن قوم از قبیل ربا، خوردن اموال مردم به باطل و جلوگیری از راه خدا سخن گفته است (الطباطبائی ج ۲، ص ۴۰۹؛ طوسی، ج ۳، ص ۳۸۸) روح آیه بیانگر این است که ربا در پیشگاه خدا امری مذموم و منهی عنه است و به دلالت التزامی بیانگر این است که ای مردم و ای مسلمانان شما نیز از این امر پرهیزید همانگونه که قوم یهود مأمور به پرهیز بودند.

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (آل عمران ۱۳۰)

این آیه در مدینه و در سال سوم هجرت، بعد از جنگ احد نازل شده است. مشرکان بعد از شکست در جنگ بدر با هزینه کردن اموالی که از ربا جمع آوری کرده بودند، لشکری بر ضد مسلمانان تجهیز کردند؛ شاید این عمل انگیزه‌ای شد که بعضی از مسلمانان نیز به این فکر بیفتند از طریق ربا مالی گرد آورند و لشکری آماده سازند و از مشرکان انتقام بگیرند.

خداوند متعال با فرستادن این آیات آنان را از این کار نهی فرمود (فخر رازی، ج ۴، ص ۳۸۴) البته این ادعاء در تفسیر نيسابوری به صورت یک احتمال بیان شده است (نيسابوری، ج ۲، ص ۳۴۴) الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ (بقره: ۲۷۵) درباره‌شان نزول این آیه به طور مشخص در کتابهای تفسیری نکته‌ای ذکر نشده اما درباره آیه ۲۷۸ که ادامه این آیه بوده و به همراه آن نازل شده چنین نقل کرده‌اند: آیه درباره بنی عمرو بن عوف از ثقیف و بنی مغیره از بنی مخزوم نازل شده است. فرزندان مغیره از طایفه ثقیف ربا می‌گرفتند. هنگامی که خدای تعالی پیامبر ﷺ را بر مکه مسلط کرد، همه اقسام ربا برداشته شد. از این رو فرزندان مغیره گفتند: ربا از مردمانی غیر ما برداشته شده و فرزندان عمرو بن عمیر گفتند: ما مصالحه کرده‌ایم که برایمان ربا باشد. عتاب بن اسید حاکم مکه در این باره به پیامبر ﷺ نامه نوشت. به دنبال آن این آیه و آیه بعد «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (بقره: ۲۷۹) نازل شد (السیوطی، ج ۱، ص ۳۶۴ و نیشابوری، ص ۵۹) زرکشی معتقد است آیه ربا از مدینه به مکه برده شده به این خاطر که ثقیف و بنی مغیره برای حل مشکل پیش عتاب بن اسید کارگزار مکه رفته بودند. پس عتاب این آیه را بر آنان تلاوت کرد و آنان به تحریم ربا اقرار کردند و سرمایه‌شان را گرفتند (زرکشی، ج ۱، ص ۲۰۴) در تفسیر تبیان هم از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: ولید بن مغیره در جاهلیت ربا می‌گرفت. رباهایی از ثقیف طلب داشت. خالد ابن ولید بعد از آنکه اسلام آورد خواست آنها را مطالبه کند که این آیه مبنی بر منع از ربا نازل شد (طوسی، ج ۲ ص ۲۶۵-۲۶۴) البته اگر ایشان نزول درست باشد نزول آیه در اواخر عمر پیامبر ﷺ در زمره آخرین آیات نازله دچار خدشه می‌شود؛ مگر اینکه بگوییم خالد ابن ولید بعد از جاهلیت تا اواخر سال دهم هجری به دنبال گرفتن ربا نرفت تا اینکه این آیه نازل شد.

آیه «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ» مفسر آیه و ما آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاً لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ است. خدا ربا را رشد نمی‌دهد بلکه آنرا از بین می‌برد، اما صدقات را رشد می‌دهد و بالا می‌برد. پس معنای آیه چنین می‌شود که آنچه از اموال خود به دیگران می‌دهید تا به وسیله اموال آنان رشد کند و افزوده شود، نزد خدا رشد نمی‌کند (طوسی، ج

۸، ص ۲۵۴) مرحوم راغب اصفهانی آیه دوم را مفسر آیه اول می‌داند و می‌گوید زیاده معقولی که از آن به برکت تعبیر می‌شود از ربا برداشته شده است (راغب اصفهانی، ص ۱۸۷) مراد از محق ربا نقصان تدریجی آن است و مراد از ارباء صدقات افزونی برکت و اجر آن است (طوسی، ج ۲، ص ۳۶۳) مفسرین به طور برجسته بیان کرده‌اند که دو آیه فوق الذکر نقطه مقابل همنند: قیل لإمام الصادق علیه السلام: «قد نرى الرجل يربى و ماله يكثر فقال: يمحق الله دينه و ان كان ماله يكثر»؛ به امام صادق علیه السلام عرض شد می‌بینیم که مردی ربا می‌خورد در عین حال مالش زیاد می‌شود. فرمود: خدا دینش را ویران می‌کند هر چند مالش زیاد شود (عیاشی ج ۱، ص ۹۳) راغب در مفردات گفته است زیاده معقوله از ربا برداشته شده اما در مقابل آن، برکت در زکات موجود است. چنان که خداوند در سوره روم آیه ۳۹ فرموده است: «ما آتیتم من زکاة تُریدونَ وجهَ الله فأولئک هم المضعفون» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۸۷) ابن مسعود از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرد: ربا هر چند زیاد شود سرانجامش به سوی کمی است (السیوطی، ج ۱، ص ۳۶۵) ابن منذر از ضحاک نقل کرده است که ربا در دنیا زیاد می‌شود؛ اما خدا در آخرت آن را از بین می‌برد و چیزی برای اهل آن در آخرت باقی نمی‌ماند؛ اما در مقابل، خدا صدقه را افزون می‌کند و پیش از آنکه به دست صدقه‌گیرنده برسد، خدا صدقه را می‌گیرد. اگر به عنوان مثال صدقه یک خر ما باشد خدا آن را به کوهی عظیم تبدیل می‌کند (السیوطی، ج ۱، ص ۳۶۶)

ابن کثیر گفته است منظور از محق ربا، بردن برکت از مال رباخوار و فایده نبردن از آن در دنیا و نابودی آن در دنیا و عقاب آور بودن آن در آخرت است (ابن کثیر، ج ۱، ص ۳۶۶) به طور خلاصه باید گفت مراد از محق ربا از بین رفتن برکت آن مال در دنیا و نابود و تمام شدن ربا در دنیا است به گونه‌ای که چیزی از آن باقی نمی‌ماند تا در آخرت برای رباخوار فایده بخش باشد. دلیل آن این است که ربا عملی دنیوی است و رنگ اخروی و خدایی ندارد؛ اما در مقابل، صدقه و زکات موجب افزونی برکت در دنیا و بقاء آن و رسیدن به آخرت است.

۵. فرق ربا، با قرض حسن

ربا با قرض حسن در تقابل است؛ زیرا از شأن اموال است. می‌تواند قرص حسن واقع شود. خداوند فرموده است: «ما عندکم ینفد و ما عند الله باقی و لنجزین الذین صبروا اجرهم بأحسن ما كانوا یعملون» (نحل: ۹۶) ربا از مصادیق ما عندکم است، اما صدقه و قرض از مصادیق ما عند الله است. ظاهراً به نظر می‌رسد منظور از «قرض حسن» در «من ذالذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له أضعافاً کثیرة و الله یقبض و یرسط و الیه ترجعون» (بقره: ۲۴۵) قرض دادن پول و سرمایه به دیگری است؛ اما تتبع در تفسیر قرض حسن بیانگر این نکته است؛ که قرض حسن مفهوم کلی کارهای شایسته‌ای چون صدقه، انفاق، قرض، صلح ارحام و عاریه و... است؛ بنابراین در شأن اموال است می‌توانیست در یک از این کارهای حسن باشد؛ که یکی از مصادیق روشن و عام البلوی آن قرض دادن مال به دیگری است. ثواب بسیاری هم بر آن مترتب است. از آیه می‌توان چنین برداشت کرد که ربا چون نقطه مقابل قرض حسن است و در پیشگاه خدا منظور است، آثار و نتایج قرض حسن را در بر ندارد و نه تنها خدا آنرا دو چندان نمی‌کند بلکه آنرا محو و محق می‌کند و می‌توان از آن به قرض سیئه تعبیر کرد که مستلزم گناه کاری است.

توجه به این نکته جالب است که آیات ربا در سوره بقره بعد از آیات است که درباره انفاق است. حدوداً ده آیه از آیاتی که قبل از آیه ۲۷۵ سوره بقره است درباره انفاق و اهمیت آن در نزد خدا و امر به انفاق و بخشش اموال پاک و پاکیزه است، در نهایت خداوند در آیه ۲۷۴ بقره می‌فرماید: «الذین ینفقون أموالهم باللیل و النهار سرّاً و علانیه فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون»؛ ثمره انفاق پاداش الهی، عدم خوف و هراس از آینده و نیز عدم حزن و اندوه از گذشته و انجام کار است.

است؛ اما بعد از آیات انفاق که آیات ربا می‌آید خداوند نتیجه‌اش را عذاب الهی و آتش بیان فرموده است. مساله انفاق آنقدر مهم است که خدا در سوره بقره ابتدا در ده آیه از آن سخن گفته، سپس به مساله ربا پرداخته و آنگاه دوباره به مساله انفاق برگشته و فرموده است: «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات و أقاموا الصلاة و آتوا الزکاة لهم اجرهم عند

ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» یعنی دوباره ثمره انفاق را که همان پاداش الهی، عدم ترس و عدم حزن است به دنبال ثمره ربا که خُلد در آتش است ذکر کرده است. با این بیان معلوم می‌شود که ماهیت و جوهره ربا با قرض در تقابل است. قرض و انفاق، امنیت و صفا را به‌ارمغان می‌آورد و ترویج می‌کند؛ اما ربا ترس و اندوه و در دراز مدت محق دین را در جامعه پدید می‌آورد.

۶. حرمت مطلق ربا

ربا مطلقاً حرام است فرق ندارد چه کم باشد چه زیاد. مفسرین در تفسیر ربای اضعاف مضاعف اختلاف دارند؛ نظر اکثر مفسرین این است که اضعافاً مضاعفه حال برای «الربا» و «مضاعفه» صفت آن و مقصود از «الربا» قرض یا دین همراه با زیادی است. معنای آیه با این فرض چنین است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا نخورید در حالی که به چند برابر اصل سرمایه رسیده است. ابن کثیر اضعاف مضاعفه را ربای جاهلی می‌داند (ابن کثیر، ج ۱، ص ۳۸۱) مراد از اضعاف مضاعف صرفاً نهی از آن به خاطر اضعاف مضاعف بودن آن نیست، زیرا معلوم است که ربا به طور مطلق منهی عنه است چه اضعاف مضاعف و چه غیر اضعاف مضاعف. نهی از ربای اضعاف مضاعف به خاطر این بود که به طور معمول غالب رباها اینگونه بود (نیسابوری، ج ۲، ص ۳۴۴)

علامه طباطبائی اضعاف مضاعفه را اکثر رباها می‌داند؛ زیرا وام ربوی همواره در اثر تمدید و تکرار به چند برابر اصل بدهی می‌رسد (طباطبائی، ج ۴، ص ۱۹) فخر رازی می‌گوید: گاهی مقدار ربا به اندازه اصل بدهی می‌رسد (فخر رازی، ج ۹، ص ۲) شیخ طوسی نیز در تبیان به این معنای اضعاف مضاعفه اشاره فرموده‌اند: اضعاف مضاعفه یعنی تأخیر در پرداخت قرض و افزودن بر سرآمد وقت پرداخت و در مقابل، افزایش مقدار بدهی (طوسی، ج ۲، ص ۵۸۷) عده‌ای از محققان نیز معتقدند مقصود از الربا خصوصاً زیادی است نه قرض یا دین همراه با زیادی؛ در این صورت مراد از اضعافاً مضاعفه قرض با بهره مرکب است یعنی رباهای مرکبی که در آنها علاوه بر اصل قرض، بر خود بهره هم بهره تعلق می‌گیرد (مطهری،

۱۳۶۴، ص ۱۹۷) عده‌ای دیگر از مفسران نیز معتقدند اضعافاً مضاعفه حال برای فاعل «لا تاكلوا» است و معنای آیه چنین است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا نخورید در حالی که از این طریق اموالتان را زیاد و زیادتر می‌کنید (طوسی، ج ۲، ص ۵۸۷) دلیل بر این که نفس ربا حرام است کثرت شرط حرمت نیست قول پیامبر گرامی اسلام است. می‌فرماید: مقدار کمی از ربا همانند بسیار آن است (قطب الراوندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۴۹).

نتیجه

از بررسی آیات چنین به نظر می‌رسد؛ آیات به علاوه حکم حرمت ربا متضمن احکام اخلاقی و اجتماعی هم هستند. شیوه و روش کار اجتماعی را هم نشان می‌دهد. نمی‌شود یک حکمی را بدون مقدمه در بین اجتماع اعلان و عملی کرد. باید اول افکار عموم را آماده ساخت، بعد تدریجاً حکم را برقرار و عملی نمود. نزول آیات ربا در قرآن سیری تدریجی دارد؛ یعنی به صورت رشد و تکامل تدریجی حکم حرمت نازل شده است. یک مرحله‌ای ترک ربا را از جامعه نخواست است. هر آیه به علاوه تثبیت حکم قبلی و تاکید آن دارای حکم مضاعف است، مقدار حکم را شدیدتر و پررنگ‌تر نموده است؛ و ترتیب نزول آنها از این قرار است: الف: سوره روم، آیه ۳۹ ب: سوره نساء، آیه ۱۶۱ ج: سوره آل عمران، آیه ۱۳۰ د: سوره بقره، آیه ۲۷۵ در واقع همه نظریه‌ها و تفسیرهای یاد شده هرکدام بیان‌گر یکی از مصادیق مختلف ربا و حرمت آن است؛ چه اضعاف مضاعفه را قرض با ربح مرکب بدانیم و چه اکثر رباها را اضعاف مضاعفه بدانیم و چه اضعاف مضاعفه را به معنی زیاد کردن مال بدانیم؛ زیرا همه در عموم ربای منهی عنه وارد است. ممکن کسی بگوید اضعافاً مضاعفه قید حکم است که نتیجه‌اش این می‌شود که فقط رباهایی که دارای وصف اضعافاً مضاعفه هستند حرامند، رباهای ابتدایی حرام نیستند ولی هیچ فقیه و یا صحابی یا امام معصومی از این آیه چنین برداشت نکرده است. (هر عملی به خاطر مفسده‌اش حرام شده است) همه انواع ربا حرام است به طور مطلق نه به طور مقید و جزئی؛ زیرا نفس عمل و انجام کار حرمت دارد. خود فعل منهاعنه واقع شده نه صفت فعل که اضعاف باشد. اگر از آیه حرمت ربای «اضعافاً مضاعفه» را بدانیم نه حرمت

مطلق ربا به طور کلی، در این صورت فقط ربای که با صفت اضعافا مضاعفه باشد حرام و ربا بدون قید مضاعف از دایره حرمت خارج می‌شود. به آیاتی چون «احل الله البيع و حرم الربا» و «یباحق الله الربا و یربى الصدقات» عمل نمی‌شود، لغویت تعداد کثیر از آیات حرمت ربا لازم می‌آید. در نفس حرمت فرق میان قلیل و کثیر نیست. چنانچه در بالا از قول پیامبر ﷺ اشاره شد. نفس فعل منها عنه است. تحقق فعل در خارج با قلیل و کثیر صورت می‌گیرد کثرت دخالت در حرمت ندارد تا کسی بگوید با عدم کثرت حرمت هم برداشته می‌شود.

کتابنامه

- الخصاص، ابوبکر احمد بن علی الرازی ١٤١٥ ق، احکام القرآن، بیروت: دار الفکر.
- الحر العاملی ١٤١٤ ق، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت، ج ٢.
- بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ١٣٨١، ربا، قم: بوستان کتاب.
- حسینی سیستانی، سید علی ١٤١٦ ق، منهاج الصالحین، قم: مکتبه آیت الله العظمی حسینی خوئی، سید ابوالقاسم ١٤١٠ ق، منهاج الصالحین، قم: مهر، ج ٢٨.
- الرازی، فخر الدین بیضا، مفاتیح الغیب، بیجا: بیضا.
- الراغب الاصفهانی ١٤٠٤ ق، مفردات غریب القرآن، بیجا: دفتر نشر دار الکتب، ج ١.
- الراوندی، قطب ١٤٠٥ ق، فقه القرآن، قم: مکتبه آیه الله العظمی النجفی المرعشی.
- زرکشی، بدر الدین محمد بن عبدالله ١٣٧٦ ق، البرهان فی علوم القرآن، قاهره: دار الکتب العربیه، ج ١.
- السرخسی بیضا، المبسوط، بیجا: بیضا.
- سیوطی، جلال الدین ١٣٦٥ ق، الدر المنثور، جده: دار المعرفه، ج ١.
- شهیدی، سید جعفر ١٣٦٩، ترجمه نهج البلاغه، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- الطباطبائی، سید محمد حسین ١٤٠٢ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه النشر الاسلامی. همو بی تا تفسیر المیزان، ترجمه استاد مصباح یزدی، بیجا: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی.
- الطبرسی، الشیخ ابو علی فضل بن الحسن ١٤١٥ ق، مجمع البیان، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ١ ١٤١٨ ق، جوامع الجامع، قم: موسسه النشر الاسلامی، ج ١.
- طبری، محمد بن جریر ١٤١٥ ق، جامع البیان، بیروت: دار الفکر.
- الطوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن ١٤٠٩ ق، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- علامه حلی ١٤١٢ ق، مختلف الشیعه، قم: موسسه النشر الاسلامی، ج ١.
- قرطبی، ابو عبد الله محمد بن احمد انصاری ١٤٠٥ ق، الجامع لاحکام القرآن تفسیر قرطبی، بیروت: دار التراث العربی.

قمی، ابوالحسن علی بن ابراهیم ۱۴۰۴ ق، تفسیر قمی، قم: موسسه دار الکاتب، چ ۲.

کشاف زمخشری بیتا، تفسیر کشاف، بیجا: بینا.

مجلسی، محمد باقر ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء، چ ۲.

المحقق الاردبیلی بیتا، زبده البیان، المكتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.

مطهری، مرتضی ۱۳۶۴، ربا، بانک، بیمه، قم: صدرا، چ ۱.

منتظری، حسینعلی ۱۴۱۳ ق، الاحکام الشرعیه، قم: نشر تفکر، چ ۱.

موسوی خمینی، سید روح الله ۱۴۰۹ ق، تحریر الوسیله، قم: اسماعیلیان.

همو ۱۴۱۰ ق، کتاب البیع، قم: اسماعیلیان، چ ۴.

نجفی، محمد حسن ۱۳۶۷، جواهر الکلام، قم: دار الکتب الاسلامیه، چ ۳.

نیشابوری بی تا تفسیر نیشابوری، بیجا: بینا.

واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد ۱۳۸۸ ق، اسباب نزول الآیات، قاهره: موسسه

بایگانی

از آنجایی که ربا واژه عربی است، با استفاده از کتاب‌های لغت عربی این واژه را بررسی می‌کنیم. ریشه‌ای اصلی کلمه ربا که در قرآن نیز به کار رفته است رب است. عرب‌ها هنگامی که چیزی زیاد می‌شود و رشد می‌کند، می‌گویند: «ربا الشئ» به این دلیل که زمانی که مال افزون می‌گردد، گفته می‌شود: «ربا المال». این تعبیر هنگامی پهلوه‌های اسب از دویدن بسیار آماس و ورم کند نیز به کار می‌رود: «ربا الفرس». به بلندی‌ها و برجستگی‌هایی که بر روی زمین مشاهده می‌شود نیز ربوه می‌گویند.

